

Original Paper

The style and context of Abadeh carving and its analysis in the mirror of anthropology

Alireza Sheikhi *

Associate Professor, Department of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Tehran University of Art, Iran

Azar Farahbad

Master of Handicrafts, Department of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Tehran University of Art, Iran

Abstract

One of the most original and beautiful wood arts, which has a very long-standing tradition and reputation in Abadeh is the art of woodcarving . The aim of the present study is to investigate the effect of the climate and native culture on the motifs used in the woodcarving art of Abadeh city. The question is: What effect do the local climate and culture have on the motifs used in woodcarving art of Abadeh? The research employs a basic descriptive-analytical method with an anthropological approach. Data collection is based on library research and field studies through interviews with renowned professors and direct observation. The results indicate that artworks are charectrized by elegance, simplicity and density in the implementation of motif. The analysis focuses on the weather conditions, climate of the region, values arising from cultural phenomena and beliefs. The climate and culture of each region can be considered as two fundamental pillars in the formation of values, arts, design and decorative motifs, so whatever the artist perceives in his living environment is shown in his works, and it is revealed that the woodcarving objects by Abadeh artists serves functional or decorative purposes.

Keywords: Fars, Abadeh, woodcarving, woodcarving artists, evolution of Inlaid, anthropological approach

* Corresponding Author: a.sheikhi@art.ac.ir

سبک و سیاق منبت آواده و تحلیل آن در آینه مردم‌شناسی

علیرضا شیخی *

دانشیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران

آذر فرحب

کارشناس ارشد صنایع دستی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران

چکیده

از اصیل‌ترین هنرهای چوب با قدمت و شهرت آواده، منبت کاری بوده بطوری که یونسکو آن را شهر جهانی منبت قلمداد کرده است. منبت آواده نقوش متنوعی دارد: گیاهی، اسلیمی و ختایی، نقوش باستانی و نگارگری که نقوش گیاهی بیشترین کاربرد را دارد. نقوش این منطقه، گل سرخ، گل نرگس و برگ بیدی است. از علل آن باید به اقلیم و محیط و مسائل فرهنگی اشاره کرد. هدف، بررسی تاثیر اقلیم و فرهنگ بومی آواده بر نقوش منبت شهرستان آواده است. بنابراین تاثیر اقلیم و فرهنگ بومی منطقه بر نقوش منبت کاری آواده چیست؟ تحقیق، از نظر هدف، بنیادی و ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد. گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و بویژه میدانی است. نتایج نشان داد آثار منبت؛ ظرافت، ملاحظت و تراکم دارد و بالتبع از چوب‌های بدون بافت و نقش بهره برده است. آواده در گذشته از مراکز گلاب‌گیری فارس بوده و وجود باغ‌های گل سرخ در اطراف آن مانند شورجستان، گیاهان و گل‌های خودرو در بوم منطقه، مایه الهام منبت‌کاران قرار گرفته است. قرارگیری آواده در جوار امپراطوری هخامنشی و ساسانی و مشاهیر و شاعران پراوازه، انگیزه غنای تصویری با اشکال باستانی و چهره مشاهیر امری فرهنگی است. باید بیان کرد اقلیم و فرهنگ منطقه در شکل‌گیری ارزش‌ها، هنرها، طرح و نقوش تزئینی دو رکن اساسی هنر منبت آواده بوده و همنشینی این دو در آثار چوبی منبت توانسته ضرب آهنگ هم‌نواپی را در منظر مخاطب ارزانی دارد. در واقع باید اذعان کرد اشیاء منبت شده توسط هنرمندان آواده‌ای با کارکرد کاربردی یا آیینی جزو لاینفک زندگی ایشان است.

واژگان کلیدی:

شهرستان آواده، منبت، هنرمندان منبت‌کار، سیر تحول منبت، رویکرد مردم‌شناسی

آبادیه از مناطق شاخصی است که هنر منبت روی چوب آن قدمت بسیاری دارد. از ویژگی‌های منبت آبادیه؛ نقوش گیاهی، گل‌های گردان، مارپیچ‌ها، گل‌های سه‌پر، پنج‌پر، بوته‌های بادامی و برگ بیدی است. علاوه بر نقوش گیاهی، نقوش باستانی برگرفته از تخت‌جمشید و پاسارگاد، چهره‌های شاعران و اندیشمندان تاریخی غنای آن را افزون کرده است. ریشه اینها را می‌توان در منطقه جغرافیایی و اقلیم و فرهنگ بومی آبادیه یافت. آبادیه بر سر راه شرق به غرب (یزد به شهرکرد) و شمال به جنوب (اصفهان به شیراز) قرار داشته و کاروانیان زیادی از آن گذشته‌اند. این موقعیت قرارگیری باعث مهاجرت و در نتیجه انتقال هنر منبت این شهر به اطراف شده است. برای مثال از استاد احمد صنیعی و استاد حسین قاشق‌تراش می‌توان یاد کرد که به اصفهان و تهران نقل مکان کرده و در آنجا به ترویج این هنر پرداخته‌اند. هدف، بررسی تأثیر اقلیم و فرهنگ بومی آبادیه بر نقوش منبت این شهرستان است. بنابراین تأثیر اقلیم و فرهنگ بر نقوش منبت آبادیه چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

مژگان حسینی و مهدی ارجمند اینانلو (۱۴۰۲) در مقاله تأثیر جهانی‌شدن منبت و پیامدهای اقتصادی فرهنگی آن جامعه به ثبت جهانی‌شدن منبت، پیامدهای اقتصادی و انتظاری که هنرمندان آبادیه‌ای از درآمدزایی این هنر داشته، پرداخته‌اند (Hoseini & Inanloo, 2023). زهرا محمدپور (۱۴۰۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعه تطبیقی ویژگی‌های هنری منبت کاری آبادیه و ارومیه به منظور طراحی و ساخت وسایل چوبی معاصر بیشتر در صدد احیا و کاربردی کردن نقوش موجود در آنها برآمده است. (Mohammadpoor, 2022). فائزه جان‌نثاری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله بررسی ویژگی‌های فنی و هنری قاشق‌های چوبی دوره صفوی و قاجار به معرفی و توصیف هنر قاشق‌تراشی پرداخته که تعدادی از قاشق‌های آبادیه نیز معرفی شده است (Jannesari & Partners, 2021). علیرضا شیخی و صمد سامانیان (۱۳۹۹) در کتاب منبت معاصر ایران تکنیک، ابزار، نقوش، روش اجرا را در منبت شهرهای آبادیه، اصفهان، سنندج، شیراز و گلپایگان بررسی کرده‌اند (Sheikhi & Samanian, 2020). مهدی امرائی (۱۳۹۱) در کتاب هنر منبت اشاره‌ای مختصر به منبت آبادیه داشته است (Amrayi, 2012). علیرضا شیخی (۱۳۸۷) در پایان نامه کارشناسی ارشد بررسی سبک‌های منبت کاری معاصر در مناطق شاخص ایران (اصفهان، گلپایگان، آبادیه، شیراز و سنندج)، منبت آبادیه را ملیح دانسته که با گل‌های ریز سرخ و برگ بید انجام شده و در منبت پند دسته‌بندی کرده است (Sheikhi, 2008). قباد کیانمهر در رساله دکتری (۱۳۸۳) ارزش‌های زیبایی‌شناسی منبت کاری سبک صفوی به بررسی منبت کاری دوره صفوی پرداخته و آبادیه را به عنوان یکی از مراکز تولید منبت در این دوران برشمرده است (Kianmehr, 2004). آنچه در این نوشتار مورد توجه و تمرکز است بررسی مردم‌شناسی منبت آبادیه است.

۲. روش پژوهش

نوشتار از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی و تحلیلی با رویکرد مردم‌شناسی بوده و مطالب، کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. پس از بررسی پیشینه منبت آبادیه، اقلیم و جغرافیای منطقه، تاریخچه منبت آبادیه در سفرنامه‌ها، معرفی اساتید برجسته و اشاعه این سبک در دیگر شهرها مورد بررسی بوده است. در گام بعدی نقوش بکاررفته در این هنر و تحلیل مردم‌شناسی آن و در نهایت نتیجه‌گیری به انجام رسیده است.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. آبادیه

آبادیه کلمه‌ای فارسی که اصل آن از آباد گرفته شده و در زبان پهلوی واژه آپاتیه به معنی دایره، معمر، مسکون است. شاهراه بزرگ اصفهان شیراز در فاصله بین آبادیه و دهبید، از طول این دره و شهر آبادیه می‌گذرد. شهر آبادیه که در حد فاصل کوهپایه‌های شرقی زاگرس و کویر بزرگ داخلی ایران واقع شده، آب و هوای اقلیم‌های نیمه‌یابانی و کوهستانی را در خود دارد. این شهرستان جزو سردترین نقاط استان فارس به شمار می‌آید. آب مشروب شهر از قنات‌ها تأمین شده و مهمترین رود آن بوانات است و تنها در ماه‌های زمستان و بهار آب دارد. باران کم و خاک کوهستانی کم عمق در مغرب و شوره‌زارها در شمال و شمال شرقی این شهرستان موجب فقر پوشش گیاهی و حیات حیوانی در آن شده است (Daci-al Eslam, 1983, p.28). در نیمه جنوبی دشت فاصله بوته‌ها، کمتر و در پای کوه‌های جنوبی گل‌های رنگارنگ بهاری و گیاهان دارویی در لابلای بوته‌ها دیده می‌شود (Taheri, 2002, p.63-64). قدیمترین مأخذی که در آن مشخصاً از آبادیه نامی به میان آمده نزه‌القلوب حمدالله مستوفی (سده هجری) است. فرهنگ جغرافیایی ایران بنای این شهر را در اواخر سده ۱۲ هجری به دست طوایف گرجه‌ای و پرندی اصفهان به امر کریمخان زند دانسته است. در دوره قاجار به سبب قرارگرفتن بر سر راه اصفهان و شیراز، از رونق برخوردار بوده است. آبادیه در شمال فارس از شمال به اصفهان، جنوب به خرم‌بید، غرب به سمیرم و اقلید، شرق به ابرکوه محدود است. مردم آبادیه در زمان صفویه شیعه شده و اکنون به استثنای تعدادی کلمی بقیه شیعه ۱۲ امامی هستند. نژاد مردم آبادیه آریایی است و در چند دهه اخیر طوایف اعراب و ترکان قشقایی به آنجا مهاجرت کرده‌اند. بخش‌های آبادیه شامل خرم‌بید، سوریان، صغاد با ۴ بخش سرچهران، بوانات، بخش مرکزی و ۱۳ دهستان است. آبادیه شامل دهستان‌های ایزدخواست، بهمن، بیدک و سورمق است (Taheri, 2002, p.65).



۲-۳. منبت آفاده در آئینه تاریخ و سفرنامه‌ها

از آثار تاریخی منبت باید منبر چوبی مسجد جامع سوریان در شهرستان بوانات در سال ۷۷۱ ه.ق محفوظ در موزه ملی ایران را یاد کرد. صندوق منبت بقعه سید میرمحمد (ع) در شیراز از سده هفتم ه.ق کار هاشم‌بن علی به سال ۷۷۱ ه.ق، همچنین دو ضریح در امامزاده حمزه روستای بزم بوانات از دوره شاه عباس حدود سال ۱۰۰۷ بر جای مانده است (Rostami, 2009, p.38&39). محجر چوبی امامزاده حمزه بوانات نیز به دستور شاه عباس کبیر (۹۹۴-۱۰۳۸) تهیه شده است (Mostafavi, 1964, p.510-512). بانی مسجد جامع اقلید بنا بر کتیبه چوبی منبت سردر مسجد، عبدالعزیزبن احمد به تاریخ ربیع الاول ۱۰۰۸ هجری و منبر (محررم ۸۴۹) و در منبت به سال ۱۰۰۸ هجری دارد (Mostafavi, 1964, p.2).

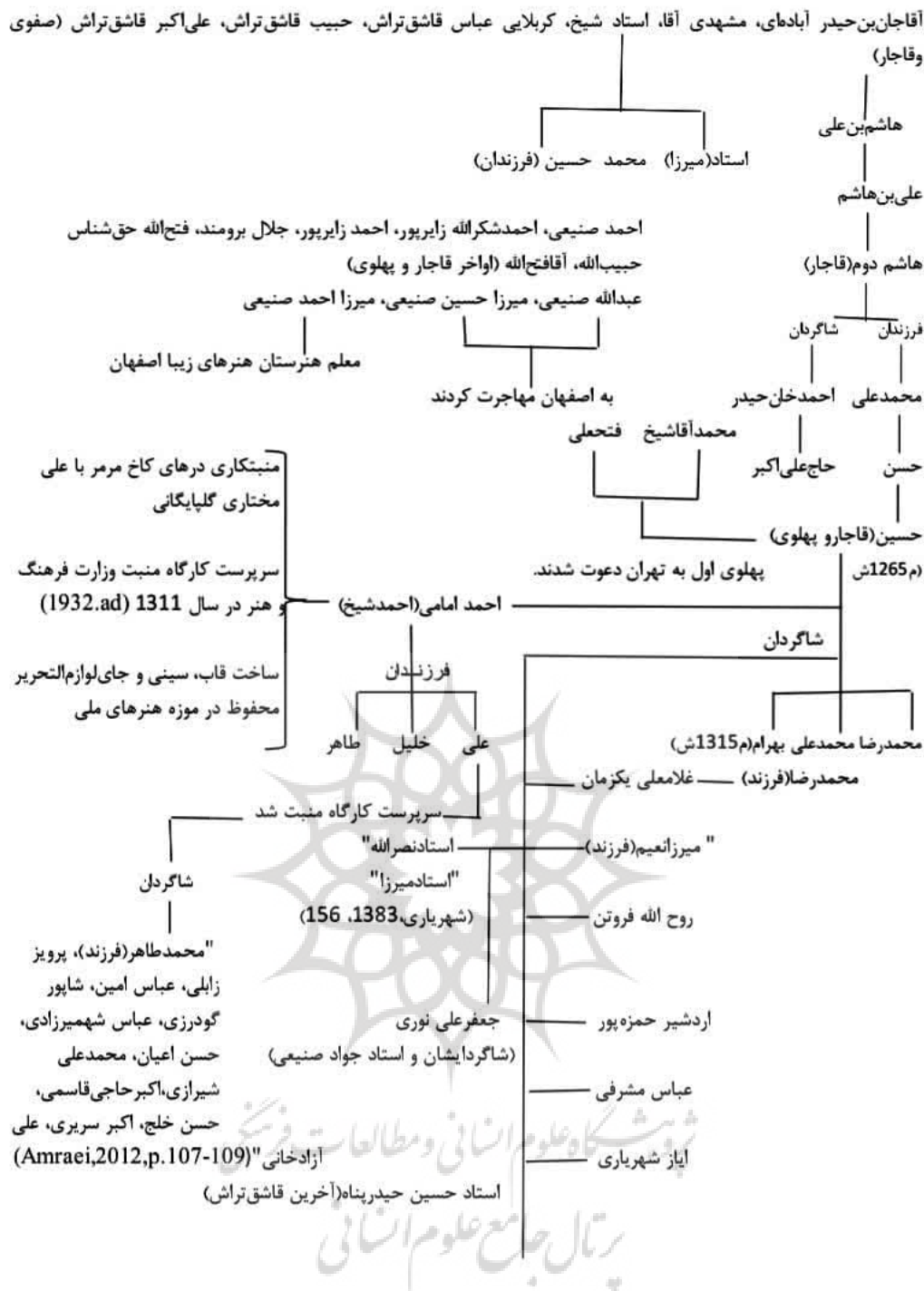
جهانگردان در سفرنامه‌های خود از آثار منبت کاری آفاده نام برده‌اند. «از روش‌هایی که زیاد بکار برده می‌شود و با برجسته کاری ترکیب می‌گردد مشبک کاری است. از جمله اشیای کنده کاری شده کشکول درویش‌ها، قاشق شربت خوری، صندوق، تخته شطرنج یا تخت نرد است» (woolf, 1993, p.84). بروگش (۱۹۹۵) خاورشناس نوشته: «آفاده به خاطر ساخت اشیای چوبین شهرت زیادی دارد و صنعتگران و هنرمندان این شهر با مهارتی باور نکردنی از چوب درخت گلابی انواع و اقسام اشیای چوبی را با منبت کاری‌های زیبا می‌سازند. از جمله این کارها جعبه‌های مختلف، قلمدان، قالب آئینه و قاشق است و جلای روشن و ظریفی که روی آنها می‌دهند» (Broogsh, 1995, p.223). کارلا سرنا (۱۹۸۳) در زمان ناصرالدین شاه به ایران آمده می‌گوید: «برای نوشیدن شربت از یک قاشق چوبی چمچه استفاده می‌کنند و هر کدام از مهمانان به نوبه باهمان قاشق از کاسه پر از شربت، شربت برداشته و می‌خورند. دسته این قاشق‌های چوبی با ظرافت تمام تراشیده شده شبیه به یک توری ظریف است و کار بعضی از آنها در واقع یک اثر هنری است» (Soma, 1983, p.233). بنجامین در اواخر دوره ناصری می‌نویسد: «در ایران میز، صندلی، نیمکت و مبلی، جعبه، ویولون، گیتار، عصا، قالب عکس و همه قسم اشیای چوبی را منبت کاری می‌کنند» (Benjamin, 1990, p.247). دالمانی در اواخر قرن ۱۳ روایت کرده: «در آفاده، نجاران منبت کار، اشیای بسیار ظریف و جالب توجه‌ای از قبیل جعبه، تخته نرد و قاشق‌های شربت خوری با چوب درخت گلابی می‌ساختند و به جاهای دیگر می‌فرستادند. بسی تعجب‌آور است که صنعتگران، این اشیای ممتاز و نفیس را با آلت قدیمی که شبیه به چاقوهای جیبی بود کنده کاری می‌کردند و مناظر برجسته و زیبایی از قبیل شکارگاه و جنگ حیوانات در روی چوب به وجود می‌آوردند» (Dalmani, 1956, p.373). قریحه سرشار هنرمندان آفاده‌ای این قاشق‌ها را در اشکال مختلف ابداع می‌کنند، گاهی طول آنها به ۶۰ سانتی متر می‌رسد. وزن این قاشق‌ها با وجود ابعاد مطلوب از ۶۰ تا ۷۰ گرم تجاوز نمی‌کند (Dalmani, 1999, p.530). (546)

آرتور پوپ (۲۰۰۸) در رابطه با ساخت اشیای چوبی می‌نویسد اشیای خردی مانند قاشق، فنجان، کاسه، قدح با کنده کاری نازک و با نقوش توافت در شهر آفاده تا کنون تولید می‌شده‌اند. این پیشه در اصفهان به معیاری بالا، دست یافته و اشیای مشابهی با نقشمایه‌های پرتفصیل گیاهی در گلپایگان نیز تولید می‌شود (pop & Broteshtain, 2008, p.3043). بعد از سقوط قاجار استاد احمد صنیعی آفاده‌ای و استاد علی مختاری گلپایگانی جزو معدود باقیماندگان استادان منبت کار، به تهران آمده به تربیت شاگردانی در جهت حفظ هنر منبت پرداختند. سازمان صنایع دستی ایران تأسیس شد و مانع زوال منبت کاری در ایران شد (مجموعه شکل ۱) منبت کاری‌های کاخ مرمر به دست هنرمندان این شهرستان همچون احمد امامی ساخته شده است (Taheri, 2002, p.67). در گذشته آثاری مانند ضریح چوبی بقاع متبرکه، منبر، میز و صندلی ابعاد بزرگی داشت. کم‌کم ابعاد کارها کوچکتر شد و از آثار منبت می‌توان قالب آئینه‌ها، جعبه‌های آرایش و جواهر یا همان جعبه‌های کوچ، سوزن‌دان، قلمدان، چوب‌های سیگار و چپق، انواع قاشق‌ها، بشقاب‌ها، کاسه‌ها، دسته خنجر، تخته نرد و شطرنج، سینی، زیرپایی حنابندان عروس، میز، قالب عکس، عصا، منبت روی انواع سازها مانند کمانچه و... را نام برد. امروزه محصول عمده منبت در آفاده تخته نرد است. این هنر از چنان جایگاهی برخوردار است که استادکاران منبت کار لقب خود را از این هنر گرفته‌اند: کربلایی عباس قاشق تراش آفاده‌ای، استاد حبیب قاشق تراش، استاد علی اکبر قاشق تراش و استاد حسین قاشق تراش (منبتی) و آخرین هنرمند قاشق ساز استاد حسین حیدرپناه (Rabici, 2011, p.201&204). منبت کاران در حال حاضر در شهر آفاده و گلپایگان با بهره‌گیری از انواع چوب و به کمک ابزار کاری ساده و ابتدایی دست به شاهکارهایشان می‌زنند (Kiani, 1997, p.195). با توجه به آنچه در سفرنامه‌ها آمده و کثرت استفاده از قاشق با انواع و اقسام متنوع؛ همچنین نام آسائید قدیمی که همگی ملقب به قاشق تراش بوده‌اند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ابتدا شغل و پیشه منبت کاران آفاده‌ای، قاشق تراشی بوده است.



مجموعه شکل ۱- قاشق، سینی منبت بهرام منبتی، چوب گلابی‌های کاخ مرمر.

Image collection 1- from the right pen, spoon, woodcarving tray of Bahram Monabati, pear wood, The doors of the marble Palace



شکل ۲- نمودار درختی استادان منبت کار آبداه‌ای از عصر صفوی تا کنون

Fig collection 2- Tree diagram of Abadeh woodcarving masters from the Safavid era until now

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. سبک و سیاق منبت آبداه

منبت آبداه هنری است که اغلب مردم با آن آشنا بوده و کمابیش کار می‌کنند. تولیدات منبت آبداه شامل بسیاری از اشیاء کاربردی و تزیینی هستند. چوب‌های گردو (استقامت و زیبایی رنگ)، گلابی (نرمی و لطافت بافت)، عناب، شمشاد، افرا و نارنج (به خاطر فراوانی) در منبت آبداه رواج دارد. «برای کارهای منبت کاری ظریفتر چوب گلابی از همه بهتر است» (woolf, 1993, p.85). انسجام بافت عناب به گونه‌ای است که ریزترین نقوش را می‌توان روی آن ایجاد کرد. فوفل، آبنوس، کهور، کیکم بیشتر در تزیین اطراف منبت استفاده می‌شود (Rabiei, 2011, p.206). شیخی و همکارانش (۲۰۱۲) شیوه منبت آبداه را مقعر تبیین کرده‌اند. بیشترین شیوه مورد استفاده هنرمندان آبداه، شیوه نیش است (جدول ۱). از دلایل بکارگیری شیوه نیش؛ ظرافت و تراکم نقوش آبداه است.

جدول (۱) بررسی آثاری از منبت کاری آباده
Table (1) review of works of Abadeh carvin

کارکرد	فرم و نقش	شیوه منبت	تصویر
صندوقچه	گیاهی (گل چندپر، گل سرخی، ختایی، برگ بیدی)، پرنده	نیش یا پُند	
قاب آینه یا قاب عکس	گیاهی (گل چندپر، گل سرخی، برگ بیدی)، پرنده، ختایی		
شطرنج	نقش باستانی		
سینی (تزئینی)	نگارگری، گیاهی (گل های چندپر، گل سرخ، گل نرگس، برگ بیدی)		
کاسه و بشقاب (تزئینی)	نقش باستانی، گیاهی (گل های چندپر، گل سرخی، برگ بیدی)		

پوپ و اکرم (۲۰۰۸) درباره آرایه های تجریدی در هنر ایرانی معتقد است نقوش ریشه در فرهنگ تاریخ ایران دارد. نقش ملیه های تزئینی ایران پر قدرت، متنوع و عموماً دیرپا بودند زیرا آرایه هایی نمادین بودند و صرفاً برای بیان احساسات شخصی بکار نمی آمدند. ایران در آرایه های تجریدی به مطلوب ترین شیوه بیان هنری اش دست یافت (Pop&Akraman, 2008, p. 3122).

متداول ترین طرح مورد استفاده در منبت، اسلیمی و ختایی است که دارای ساقه های حلزونی بوده و از نظر زیبایی شناسی باعث گردش دید در متن کادر می شود. لچک برای گوشه ها، اسلیمی برای حاشیه، گل سرخ، گل نرگس، گل مینا، بته فندق، گل و مرغ، گل پنج پر، دالبردار، گل اختر، گل و غنچه های شاه عباسی، ترکیب شاخه های اسلیمی و ختایی و انواع ترنج، شاهان هخامنشی، افراد مشهور و مذهبی در زمره نقوش منبت آباده هستند.

علیرضا شیخی (۲۰۲۰) در کتاب منبت معاصر ایران، در طرح و نقش منبت آباده از سه دسته نام می برد: گل و گیاهان بومی، گل سرخ، گل نرگس و برگ بید. البته قابل ذکر است که نقش گل سرخی در بین هنرمندان منبت کار آباده ای مصطلح است و منظور فقط گل سرخ یا گل محمدی نیست. دسته دوم، تصاویر انسانی که در قالب نگارگری، چهره شاعران، نقوش باستانی و هخامنشی بکار رفته اند. دسته سوم کتیبه است (Sheikhi&Samanian, 2020, p. 37). طرح کلی به صورت فرم حلزونی روی کار پیاده می شود سپس برگ و گل با محوریت آن نقش می شوند. نقش لبه برگ های بکار رفته روی آثار مضرس است و با ظرافت منبت می شوند.

۴-۱-۱. **انواع گل سرخ:** تیره گل سرخیان بیش از گل های دیگر در ادبیات فارسی بکار رفته است. استان فارس و منطقه آباده به لحاظ اقلیمی و آب و هوایی مناسب پرورش گل است، بطوریکه گونه های مختلف گل سرخ در باغ ها به عنوان بهترین گل زینتی کاشته می شوند. علاوه بر این در طبیعت آباده انواع گل ها با تنوع زیادی رشد و نمو دارد. (شکل ۳)



مجموعه شکل ۳- گل واژگون، گل نرگس، گل ختمی، گل نسترن، گل مینا، گل میخک، گل محمدی.
Fig collection3. Flowers from right to left Narssicus flower, Marshmallow flower, Nasturtium flower, enamel flower, carnation flower, Rose flower

معین (۱۹۷۵) درباره معنی گل سرخ معتقد است برگ‌های گل سرخ مرکب است. ساقه‌های گل آن پر خار است. گونه‌های مرغوب و پُرپر گل سرخ از پیوند و پرورش نژادهای دور که بدست می‌آید: گل‌های سفید، دواتشه (قحبه، هبق، ورد الحماق، رعنا و موجه) رشتی، زرد، سرخ آسمان، سرخ چهار فصل، سرخ دمشقی، سرخ ژاپنی، سرخ صحرایی، سرخ صدپر، سرخ عطری، سرخ فرنگی، سرخ مؤیدی، سرخ نوئل، سرخ وحشی، سرخ همیشه بهار، سرخ هندی، گل برگ، صد تومانی، لعل و محمدی (Moin, 1975, p. 3333-3345). قابل ذکر است گل تمامی گیاهان و درختانی از قبیل تمشک، توت فرنگی، آلو، گوجه، زردآلو، هلو، گیلاس، آلبالو، سیب، گلابی، به، ازگیل و زالزالک در تیره گل‌سرخیان جای می‌گیرند، چون همه دارای پنج کاسبرگ و پنج گلبرگ و پرچم‌های بسیار هستند (Moin, 1975, p. 3369-3370). در فرهنگ نظام، گل سرخ را گل خوشبوی سرخ‌رنگ گلاب و محمدی ذکر نموده است (Daei-al Eslam, 1983, p. 408). به عربی ورد خوانند و بمعنی اخگر آتش هم هست و رنگ سرخ را نیز گویند (Borhan, 1983, p. 1011). هم اکنون در شورجستان آباچه از مزارع گل محمدی، گلاب تهیه می‌کنند.

۴-۱-۲. گل نرگس: گل‌هایش منفرد و در انتهای ساقه قرار دارند. گلبرگ و کاسبرگ آن سه عدد و سفید رنگند. در وسط گل نرگس معمولاً حلقه‌ای زرد رنگ دیده می‌شود که زیبایی خاصی به گل این گیاه می‌دهد (Moin, 1975, p. 4702).

۴-۱-۳. اسلیمی: در ریشه آن نظرات گوناگونی بیان شده است. نمودار تجریدی درخت به ویژه تاک بوده که با گردش و پیچش پی‌درپی و هماهنگ شاخه‌های آراسته به برگ و نیم‌برگ و گره‌های آن از پایه (بند اسلیمی) می‌روید (Vaziri, 1984, p. 206 – Aqdasi, 1954, p. 31). ریشه این طرح را می‌توان برگرفته از نقش درخت زندگی دانست که پیشینه‌ای بسیار کهن در هنر ایران دارد (Pop, 1945, p. 82). اسلیمی -ختایی نام طرحی است ترکیبی از دو اصل از هفت اصل هنر نگارگری ایران (Navidi Shirazi, 1974, p. 108). هفت اصل تزیینی هنر از نظر دکتر اژند شامل اسلیمی، ختایی، ابر، واق، نیلوفر، فرنگی و بندرومی است. این اصول را احمد موسی برای نخستین بار در نگارگری تدوین کرد و با توجه به تأثیر گرفتن از تحولات مختلف در هر دوره دچار تغییراتی می‌شود (Azhand, 2014, p. 41-42).

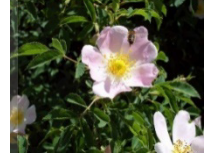
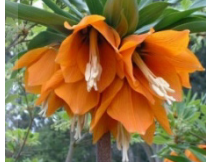
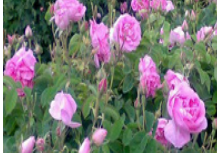
سوسن یا زنبق را خصوصاً سوسن کماتی یا آشوری را که در غرب ایران بود musalmanica iris نامگذاری کردند و نویسندگان نقش آن را "اسلیمی یا اسلامی" و غریبه‌ها آن را Arabesque یا عربی‌وار نامیدند. نقش اسلیمی را به حضرت علی نسبت می‌دهند (Qazi Ahmad, 1973, p. 129). در اوایل دوره اسلامی نیز نقش اسلیمی در معماری خصوصاً مساجد بی‌شباهت به آنچه در قبل اسلام بر جای مانده نیست چنانچه شیوه سوسن کاری در اجرای آثار گچی مرسوم بوده است (Savari & Sheikhi, 2023, p. 137). آثار عصر اشکانی جلوه‌گاه روشنی از روند تکاملی طرح اسلیمی است که در خلال سده‌های بسیار به یکی از زیباترین نقش‌های هنر تزیینی ایران تبدیل شد (Giresman, 1971, p. 140). باستان‌شناسان و پژوهشگران تاریخ هنر، به هنگام بررسی هنر اسلامی، چون نخستین بار با نقش اسلیمی در سرزمین‌های غربی اسلامی، چون فلسطین روبرو شدند، این نقوش را عربی پنداشتند و آن را آرابسک خواندند. در حالی که پس از مدتی دریافتند که این طرح هیچ‌گونه ارتباطی با عرب نداشته و سرچشمه گرفته از هنر دیگر ملت‌ها و از همه بیشتر متأثر از هنرهای ساسانی، هلنیستی و بیزانسی است (Behnisi, 2008, p. 45, 48 & 126- Dimand, 1986, p. 27-28). از سویی، نباید این نکته جالب را نادیده گرفت که جز در حبیب السیر (جلد چهارم بخش اول صفحه ۴۹۶ و صفحه ۶۳۶) در هیچ متن نثر یا نظم فارسی، ترکیب اسلامی ختایی به کار نرفته است.

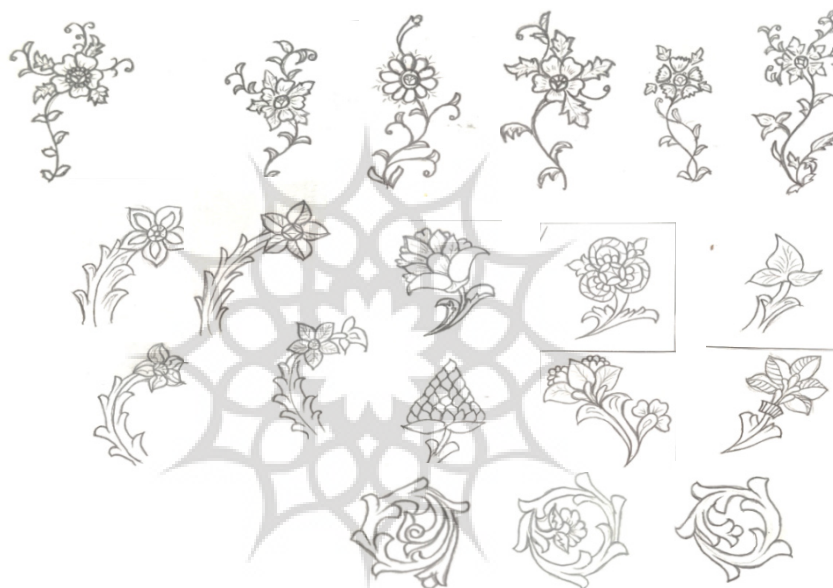
۴-۱-۴. نقوش باستانی و چهره مشاهیر: نقوشی همچون سربازان هخامنشی، فروهر با شعار اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک، گرفت و گیر شیر و گاو، شاهان ساسانی و هخامنشی، اسفندکس، چهره مشاهیر ایرانی همچون سعدی، حافظ، فردوسی، بدلیل حس تفاخر به ایران، در منبت آباچه کاربرد دارد که حس ملی‌گرایی و محبوبیت آثار باستانی را نیز در چنته دارد.

۴-۵. گل‌های چندپر: به تمامی گل‌هایی که دارای چند گلبرگ از سه پر تا گل‌های صدپر (صدبرگ) می‌گویند. معمولاً هنرمندان در رشته‌های مختلف هنری از شکل ساده این گل‌ها در آثارشان استفاده می‌کنند. برگ گل‌ها دو نوع است برگ کامل و نیم‌برگ. منبت‌کاران به این گل اصطلاحاً گل سرخ می‌گویند.

جدول شماره (۲) نقوش متداول در منبت آباده برگرفته از نقش گل‌های موجود در طبیعت منطقه

Table No. (2) of common motifs in Abadeh carvings taken from the patterns of flowers found in the nature of the region

گل‌های طبیعی	نقوش ساده گل‌های چندپر در منبت آباده
	
	
	
	
	
	



مجموعه شکل ۴- گل‌ها و حاشیه‌های مورد استفاده در منبت آباده:
Fig collection 4. Flowers and margins used in Abadeh carving

۵. مردم شناسی منبت آباده

در مردم‌شناسی هدف اینست که به "فهم هنر از دیدگاه فرهنگ آفریننده‌اش بپردازد" و این رویکردی است که ادموند لیچ آن را محور و مورد توجه انسان‌شناس می‌داند "اثر هنری چه معنایی برای سازندگان آن دارد؟" (Leach, 1967, p. 25). در واقع "انسان‌شناسی هنر، رویکردی است که هنر را دارای زمینه فرهنگی می‌داند و معتقد است فهم هنر بدون شناخت این زمینه ممکن نیست. در مردم‌شناسی منبت آباده باید شرایط زندگی و فرهنگ بومی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نمود زیبایی، کارکرد و معنا را لمس کرد. لذا استفاده از نقوش گیاهی را در شرایط جغرافیایی و اقلیم بررسی کرده، دلیل استفاده از نقوش باستانی را در ملی‌گرایی مورد بحث قرار داده، سپس استفاده از گل در مراسم و فرهنگ بومی و محبوبیت آن و در نهایت اشیائی مانند زیرپایی حنابندان و قاشق‌های چوبی تحلیل می‌شود.

۵-۱. نقوش گیاهی در اقلیم منطقه

سرزمین ایران دارای اقلیم خشک و کم‌آب است. این خشکی، اندیشه خاصی ایجاد کرده و فرهنگ ویژه‌ای را رقم زده است. آباد به دو ناحیه کوهستانی و دشت تقسیم می‌شود. ارتفاع آن از سطح دریا زیاد است و آب و هوایی خشک دارد. آباد جزء نواحی تقریباً استپی به شمار می‌رود و جنگل در آن دیده نمی‌شود ولی در منطقه‌ای قرار گرفته که دسترسی به مواد اولیه منبت‌کاری در آن راحت‌تر است. چوب گردو و گلابی از چوب‌های مرغوب و متداول در هنر منبت‌کاری است. اقلید و بوانات از مناطقی است که گردو و گلابی در آن به وفور یافت می‌شود. در نتیجه مرغوب‌ترین نوع چوب در دسترس هنرمندان بوده و هست و متنوع‌ترین رنگ‌های چوب (با توجه به سن درختان موجود) از روشن‌ترین تا تیره‌ترین رنگ را می‌توان یافت. از چوب‌های

دیگری که هنرمندان مثبت کار می‌پسندند نارنج است که از شیراز تأمین می‌شود.

تمتد شدن و یکجا نشینی در نتیجه زندگی کشاورزی، اتکا به رحمت طبیعت را افزایش می‌داد. کمترین تغییر در بارش، باعث مرگ و بدبختی می‌شد و پاسخ آسمان گاهی به چشم امید این مردمان، کریمانه و گاهی نامطمئن بود. در کل باروری، موهبت عظمی و ضرورت هر روزه و رحمت ایزدی بود. اینجا نیاز بود که انسان با نیروهای عظیم و مرموز رابطه مؤثر برقرار کند؛ در نتیجه گیاهان به عنوان تجسم آن نیروها بکار رفتند و موضوع باروری، محور زندگی مردم فلات ایران باقی ماند و آثاری برای نشان دادن نیروهای باروری ایجاد کردند. در گذر زمان به واسطه عمق احساس و کاربرد، جنبه قداست پیدا کردند. پوپ و اکرم (۲۰۰۵) بر این باور هستند که تصویرهای پربار گل و بته، انواع درخت‌های مربوط به آفرینش جهان، ستایش باغ، پرستش شاعرانه گل که تا امروز بر هنرهای تزئینی و تصویری غلبه دارد همه مراحل بودند از طلب رزق و روزی. در ایران به واسطه اوضاع جغرافیایی، یک اندیشه خاص مرسوم می‌شود. صورت‌های تزئینی، تثبیت می‌شوند و نمادها مانند یک زبان عمومی به شکل رایج درمی‌آیند. چون این تصاویر زاینده شور و رحمت است، پس احساسات عمیقی گرداگرد اینها را فرامی‌گیرد و اعتبار آنها را نگه‌می‌دارد و به آنها کششی می‌دهد که هرگز از بین نمی‌رود (pop&Akerman,2005,p.130&131). وجود گل در هنر و فرهنگ ایرانی از دیرباز مورد توجه بوده است؛ بطوریکه در دیوارنگاره‌های کاخ آپادانا نقش گل نیلوفر ۱۲ پر و در دوره ساسانی میترا بر گل نیلوفر ایستاده است (Ismailpoor,2014,p.27).

در هنر ایرانی مقصود هنرمند بازنمایی نیست بلکه زینت‌بخشی است. سیر هنر و صنایع هنری نشان‌دهنده نقش مهم جغرافیا، در خصلت و فعالیت ملل بازی می‌کند. با وجود این عقبه و پیشینه، تمنا و آرزوی باروری طبیعت و سرسبزی و برکت، هنرمند سرتاسر آثار خود را غرق در گل می‌کند و در بهشت رویایی خود، باغ‌ها و بستان‌هایی را روی چوب نقر می‌کند. سیاحان و تاریخ‌نگاران که در گذشته از استان فارس گذر کرده‌اند وجود گل و باغ‌های زیبا را در کتب خود آورده‌اند. ابن خردادبه دانشمند زرتشتی ایرانی در سده سوم از فارس عبور کرده می‌گوید: "شیراز سرزمین عطرآگین است، بوی عطر می‌دهد" (Ibn khordadbeh,1995,p.41). ماری کلودپوتی در آغاز قرن هجدهم از ایران دیدن کرده و می‌گوید: "با آنکه همیشه گل‌های سرخ را به اصفهان نسبت می‌دهند، اما در حقیقت، محل اصلی پرورش و انتخاب آنها شیراز است" (Geres,1993,p.204). در تمام سال رستنی‌هایش انبوه و گل‌هایش، شکوفاست و درختان ثمر و عطراهنگینش هر ماهه، بار تازه می‌دهند. دشت‌ها پوشیده از مرغزار است (Falahi,2011,p.77).

نمازی (۲۰۱۴) ادریس‌آباد، روستایی پرجمعیت که بیشتر کشاورز بوده و اکثر خانه‌هایشان به شکل باغ و عمارت است. در جنوب این روستا، تل و تپه‌های سرسبز و پر از گیاهان دارویی است. مکان تقریبی خوان گل، در حدود ۶ کیلومتر بعد از ادریس‌آباد قرار دارد. اگر خشکسالی نباشد غرق گل‌های زیبایی می‌شود که گل ارونه نامیده می‌شود. خان گل یا خوان گل، سفره یکدستی از گل و گلزار در لابلای تپه‌های پیشکوه‌های زاگرس با ارتفاع حدود ۲۵۰۰ متر از سطح دریا است. خان گل، تفرجگاه بهاری بسیاری از مردم این شهر است و از انواع گیاهان دارویی و زینتی از جمله مریم‌گلی در آنجا می‌توان یافت (Namazi,2014,p.100-102). روستای فیروزی به خیابان گل معروف است. در فصل اردیبهشت، گل‌های محمدی باز می‌شوند و بادآور قصور کاشان و میمند فارس است. مردم برای چیدن گل و تفریح به آنجا می‌روند. در شهر ایزدخواست، امامزاده‌ای بنام امامزاده سیدعلی معروف به گل سرخ از نوادگان امام موسی کاظم (ع) باقی است (Namazi,2014,p.95).

می‌توان گفت اقلیم آباده با وجود مزارع گل در بخش‌هایی همچون شورجستان، روستای فیروزی یا ادریس‌آباد، در ذهن هنرمند آباده‌ای، نقش بسته و در آثار خود بهره برده است. از طرفی آباده در یک منطقه کم‌آب، آرزوی داشتن محیطی سرشار از زیبایی و طراوت گل‌های مناطق کوهستانی را احساس می‌کند. در نتیجه حظ و لذت خود را همراه با آرزو و تمنای قلبی، در هم آمیخته و هر دو را روی آثار خود به صورت ساده، گل‌هایی که می‌شناسد به تصویر کشیده و مثبت می‌کند.

۵-۲. نقوش باستانی

واقع شدن آباده در استان فارس، مقر حکومت امپراطوری هخامنشی و ساسانی، موجب بهره‌گیری هنرمند مثبت کار از این نقوش است. وجود مناطق باستانی همچون تخت جمشید، پاسارگاد، کازرون، فیروزآباد و... که نمودی از شکوه و عظمت هنر و تمدن ایران زمین است، حس ملی‌گرایی را در وجود هنرمندان برمی‌انگیزد که از نقوش آنها در کارهای خود بهره ببرد. از نمونه‌های این فرهنگ می‌توان به نقوش درهای کاخ مرمر اشاره کرد. (مجموعه شکل شماره ۱) بعلاوه گرایش به ملی‌گرایی را در کاوش‌های باستان‌شناسی دوره ناصرالدین‌شاه، به واسطه حضور اروپائیان و دوره پهلوی نیز می‌توان جستجو کرد (Kiani,2004,p.51). کشمیرشکن (۲۰۱۴) با به قدرت رسیدن رضاشاه در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، گرایش به تاریخ و تمدن پیش از اسلام به طور رسمی مورد حمایت قرار گرفت و حتی به عنوان بخشی از سیاست ایدئولوژیک و فرهنگی دولت پذیرفته شد. حکومت قدرتمند مرکزی که در حال پایه‌ریزی فرایند و سنت‌های تاریخی و افتخارات نیایی باستانی ایران بود. همچنین میل به هنر ایران باستان، عامل دیگری است که پیش از دوره قاجار در هنر اسلامی نمود پیدا نکرده است (Keshmirshakan,2014,p.14&17). رضاشاه علاقه بسیاری به ایران باستان نشان داد و از بناهای باستانی بسیاری دیدن کرد و انجمن آثار ملی را راه‌اندازی کرد. در نتیجه این امر اقدامات بسیاری در جهت حفظ و احیای مجدد آثار ملی ایران از جمله موزه ایران باستان صورت گرفت (Kiyani, 2004,p.57-59). به طور کلی ملی‌گراها توجه خود را به مسائل هویت ملی و فرهنگی معطوف داشته‌اند. این جریان فکری تا دوره پهلوی دوم نیز در ایران پابرجا بود (به طوری که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران مبین آن است) (Abedian jelodar,2020,p.44-45). سبک و سیاق هنر آباده در آثار مثبت موزه هنرهای ملی با مثبت‌کارانی چون احمد امامی، سرپرست کارگاه مثبت و معرق، به خوبی نمایان است.

۵-۳. نگارگری

مضمون و محتوای اشعار حافظ، غزلیات عاشقانه سعدی و اشعاری که تصویرگری عاشق و معشوق، هنرمند مثبت کار را برانگیخته است. نیز حضور پررنگ نگارگران شیرازی از جمله استاد علی اصغر تجویدی، هنرمند مثبت کار را ترغیب کرده با دیدن آثار نگارگری، باغ و بستان‌های مثبت خود را با نگاره‌های زن



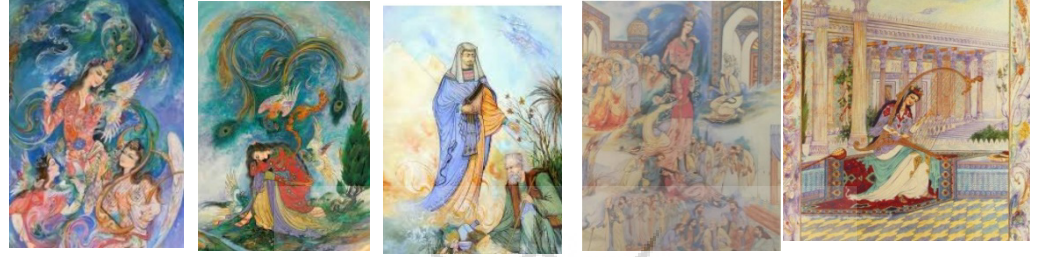
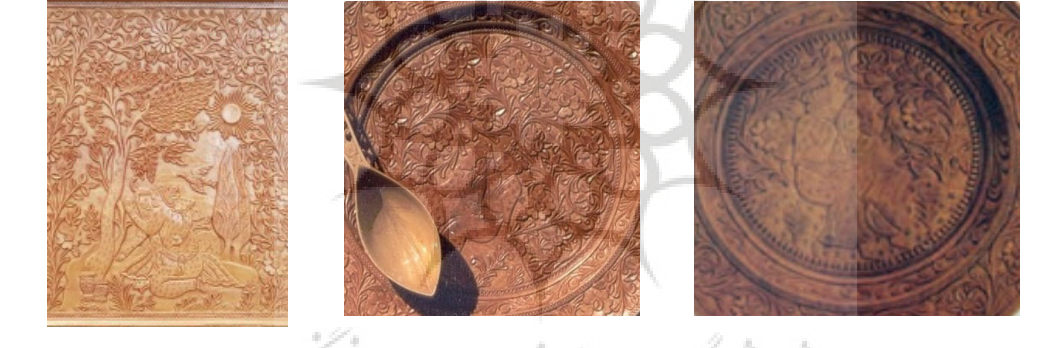
یا مرد بیاراید. گل کاربرد فراوانی در شعر داشته و تصویرسازی‌ها، کنایه‌ها حتی ابراز دلتنگی یا نگرانی‌ها را با عناصری همچون گل، بلبل، عاشق و معشوق و ... بیان کرده‌اند و با همه وضوحی که دارند سرشار از آرایه‌های ادبی، ایما و اشاره‌اند. هنرهای ایرانی را می‌توان به معنای واقعی، شاعرانه نامید. بسیاری از نگاره‌های نگارگر برگرفته از اشعار است. در این سیر از اشعار فولکور آبداه که گل در آن استفاده شده، نباید فراموش کرد:

“گلی از دست مو بستون و بو کن میون هر دو زلفونت فرو کن به هر جایی که رفتی مو نبیدم همونجا با خود گل گفتگو کن گل سرخ و سفیدم کی میایی بنفشه برگ ببدم کی میایی تو گفتی گل درآیه مو میایم گل عالم تمام شد کی میایی” (Abdollahi, 1999, p.415-417)

امبر (۱۹۹۳) در حقیقت انسان شناسی هنر، با این سویه و نگرش که هنر یک فرآورده فرهنگی است، از عنصر “فرهنگ”، در همه وجوه آن با هدف درک اثر هنری به عنوان یک ابزار استفاده و بهره می‌برد. بر این مبنا کنکاش‌های هنری از آنجایی نمود و تداعی فرهنگ هستند که شامل “الگوهای مشترک و آموخته‌شده رفتارها، باورها و احساسات ویژه‌ای می‌شوند” (Ember, 1993, p. 446).

جدول شماره (۳) آثار نگارگری استاد علی اصغر تجویدی؛ هنرمند نگارگر شیرازی و نقش نگارگری بر آثار منبت آبداه.

Table No. (3) painting works of Ali Asghar Tajveidi, a Shirazi painter artist, and painting motifs on Abadeh's woodcarving works

	آثار نگارگری استاد تجویدی
	نقوش نگارگری در منبت آبداه

۴-۵. گل در فرهنگ بومی و رسومات آبداه

سعیدیان (۱۹۹۶) بعد از مراسم خواستگاری و پذیرفتن خواستگار به عنوان داماد، در اعیاد و مراسم مختلف برای عروس و خانواده او هدایای می‌آورند. از جمله در فصل بهار، مقداری گل سرخ و باقلا و کاهو که خانواده عروس آنها را در میان بستگان خود تقسیم می‌کند و ضمناً چند کله قند و یک پیراهن به عنوان پا ظرفی به خانه داماد می‌فرستند. در ایامی که مراسم عروسی برگزار می‌شود، هر گاه داماد از جلو در خانه عبور می‌کند برایش شربت می‌آورند؛ شربتی که از آب، شکر و گلاب است. در یک قدح چینی چند برگ سبز نارنج انداخته‌اند. قدح شربت در یک سینی است و مراسم عروسی در استان فارس چند روز طول می‌کشید که در هر روز آداب خاصی را انجام می‌دادند. بعد از ظهر آخرین روز جشن مردم در حاشیه جنوبی روستا جمع می‌شدند. در یک مشربه آب که در آن برگ مورد و گلبرگ‌های گل محمدی است و نیز بشقابی که در آن چهار تا شش تخم مرغ رنگی قرار دارد، پیش روی داماد قرار می‌دادند (Saeidiyan, 1996, p.700-705). مراسم جانبندان در شب قبل از عروسی در آبداه رایج است و یکی از اشیائی که در این مراسم استفاده می‌کردند، زیرپایی عروس نام داشته که عروس پای خود را روی آن قرار می‌داده و حنا به پای عروس می‌زدند. جنس آن از مرمر یا چوب بوده. زیرپایی را معمولاً با نقوش گیاهی (گل سرخ و چندپر) و همچنین نوشته‌هایی مرتبط با مراسم جانبندان منبت می‌کردند. (شکل شماره ۵)

“گل گل عرق بچهره بر خاک کرده‌ای افشان نقره بر ورق آل کرده‌ای

رنگ خاست بر کف پای مبارک یا خون عاشق است که پامال کرده‌ای” (Semsari, 1963, p.24)

هنر، بخش متعالی زندگی و در پیوند با آن است و تاروپود آن با تجارب، احساسات، اندیشه‌ها و باورهای یک جامعه و فرهنگش بافته شده است؛ خاصه در جوامع سنتی” (Shirani & partners, 2017, p.72). از دیدگاه انسان‌شناسی، هنر شامل اشیاء با ویژگی‌هایی است که برای نمایاندن و یا زیبایی‌شناختی و معناشناختی بازنمایی به کار گرفته می‌شود (Morfi, 2006, p.31).

در فرهنگ فارس وقتی مسافری راهی سفر شود، چند گلبرگ یا برگ گل، درون کاسه‌ای پر از آب می‌اندازند و پشت سر مسافر می‌ریزند. آن آب، گل و برگ را با دعاگویی به جهت بی‌خطر بودن سفرش و همچنین دستاوردهای مناسب آنچه در پی آن به سفر می‌رود، پشت سر مسافر می‌ریزند. از دیگر استفاده‌های گل و گلاب در آبادیه اینست که در مراسم عزاداری سیدالشهدا در ماه محرم یا مراسم عزاداری اموات استفاده می‌کنند که خاصیت آرام‌بخشی دارد. قاشق‌های چوبی در گذشته در مراسم مختلف از جمله مراسم عزاداری سیدالشهدا متداول بوده؛ سعی ایشان بر این بوده که مراسم عزای اباعبدالله الحسین(ع) به بهترین و باشکوه‌ترین شکل صورت گیرد و تقدس اولیاء الله را با استفاده از بهترین وسایل خود که در خور و شایسته آن مقام باشد استفاده می‌کردند. شربت گلاب یا آلبیمو و گلاب را با طیب خاطر تقدیم عزاداران می‌کردند.

قاشق‌تراشی در آبادیه تا زمانی که هنوز ابزار و وسایل ورشو و فلزی ساخته نمی‌شد، یک شغل درآمدزا بود. قاشق‌های معروف به افشره خوری در انواع کشتی، گل‌سرخ، شاهی و ناصرالدین‌شاهی بوده است. ساخت آنها با دو شکل ساده و کاملاً کاربردی با مصرف خانگی و دیگر با تزیینات در مراسم قشر اعیانی نجاری و منبت شده است. معمولاً روی دایره وسط دسته قاشق، اشعار و یا دعاهایی را کتابت کرده، مشبک، منبت و نقاشی می‌کردند. کفه، دارای درپوشی بوده است بطوریکه نصف درپوش به صورت کوم و زبانه روی لبه کفه از طرف دسته، چفت شده و نصف دیگر درپوش، به حالت لولایی از روی کفه بلند شده و بر روی نصف دیگر درپوش برمی‌گشت. در حوزه آیینی نیز کاربرد واژه قاشق در برخی سنتهای کهن همچون چهارشنبه‌سوری، نشان می‌دهد که جامعه ایرانی با این ابزار و شیوه کاربرد آن، از زمانهای بسیار قدیم آشنا بوده است.

"آنان از آمیختن مقداری آب انار یا آلبیمو و عصاره سیر و پیاز به آب، شربتی به نام ترشی درست می‌کنند. آن را در کاسه‌های بزرگ چینی می‌ریزند، بر سر سفره می‌آورند و به جای مشروبات الکلی که خوردن آنها در مذهب اسلام حرام است، با قاشق‌های چوبی ته‌گرد بزرگی که دسته بلند دارند می‌خورند" (Chadin, 1995, p.830).

جان‌نثاری (۲۰۲۲) نقوش روی قاشق‌ها؛ گیاهی، حیوانی، هندسی و به ندرت انسانی بوده است. استفاده از نقش مرغابی در دسته قاشق‌ها دلایلی مثل آیینی بودن این پرنده و محل زندگی آن در آب، با کاربرد قاشق متناسب بوده است. نقوش گیاهی برای پرکردن فضاهای خالی، گل‌های چندپر، برگ‌های ساده و نمود گیاهان روی ساقه‌های ظریف، از نقوش پرکاربرد در منبت قاشق‌ها بوده است (Jannesari&Partners, 2022, p.53).

محبوبیت گل و گلاب در فرهنگ آبادیه در ماه‌های دیگر از جمله ماه مبارک رمضان، برای تهیه انواع حلواها، شله زرد و شربت و ... عیان است. گل و سبزه را همچون دیگر مناطق ایران زمین بر سر سفره هفت‌سین قرار می‌دهند و سبزی و برکت دو عنصر جدانشدنی در فرهنگ مردم ایران زمین است که این را می‌توان از مطالبی که در اقلیم فلات ایران و آبادیه بیان شد، دریافت. در حقیقت نقش گل‌سرخ اصطلاحی است که در آبادیه برای بکار بردن انواع گل‌های چندپر مورد استفاده قرار گرفته است. شاید بتوان گفت دلیل استفاده زیاد از نقش گل سرخ محدوده جغرافیایی و شرایط اقلیمی این ناحیه باشد. قابل ذکر است محبوبیت گل در آبادیه چنان زیاد است که یکی از میادین این شهرستان بنام فلکه گل نامیده شده است. شیراز نیز میدانی بنام فلکه گل سرخ دارد و میدان دیگری که در آن ساعت گل قرار گرفته است. این نامگذاری‌ها و یا نام‌گذاری هتل لاله می‌تواند دلیلی بر محبوبیت گل، در این خطه باشد.



مجموعه شکل شماره ۵- طبیعت روستای ادريس آباد، باغ نارنج شیراز، روستای فیروزی، میدان ساعت گل شیراز، هتل لاله آبادیه، بدرقه مسافر، زیرپایی حنابندان، قاشق‌های افشره‌خوری.



قاشق افشره خوری، ساخت هنرمندان آبادیه (۱۲۳۸ خورشیدی)، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن



Abadeh Hotel, Passenger escort, 26 Hanabandan footstool, Fruitjuice Spoons



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شکل شماره ۶- قاشق تراشی منبت و مشبک شده مربوط به سال ۱۲۳۸ موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن
شکل شماره ۷ و ۸ تابلو معرق بهرام ساسانی در رزم با شیران اثر استاد خلیل امامی به تاریخ ۱۳۱۷ موجود در موزه هنرهای ملی تهران. جزییات تابلو معرق که اسم استاد خلیلی امامی در آن معرقکاری شده است.

Fig no.6 carved and meshed spoon from the year 1859 in the Victoria & Albert Museum London. Refrence
Fig no.7&8 The mosaic painting of Bahram Sasani in battle with Lions by master Khalil Ibrahimi in data 1938 avilable in the National art Museum of Tehran. The image shows the details of the mosaic panel with the name of master khalili Emami engraved in it.

نتیجه گیری

اقلیم، شرایط آب و هوا، آداب و رسوم؛ پدیده‌هایی هستند که فرهنگ یک منطقه را شکل می‌دهند. آبادیه به سبب داشتن طبیعت غنی و موقعیت گذرگاهی، بسط و توسعه ارزش‌های فرهنگی و هنری خود را در پی داشته است. مهاجرت مردم آبادیه و هنرمندان صاحب نام به شهرهای دیگر مانند اصفهان و تهران تأثیراتی روی نقوش یا سبک منبت دیگر مناطق گذاشته است. شهرت منبت آبادیه و مستندسازی رشته منبت سستی آبادیه از سال ۱۳۹۲، دریافت اولین گواهی‌نامه ثبت نشان جغرافیایی در صنایع دستی کشور و در سطح ملی را به ارمغان آورد. در سال ۱۳۹۵، در فهرست آثار میراث ناملموس کشور و در ۱۳۹۷ شهر آبادیه به عنوان شهر جهانی منبت سستی نام‌گذاری گردید. نقش طبیعت و کوهستان‌های اطراف آبادیه، در گل‌های چند پر میخک، مینا، گل سرخ، نرگس و ریحان بر منبت‌کاری آثار نمود یافته است. هنرمندان منبت‌کار، گل‌های موجود در طبیعت را ساده و انتزاعی کرده، گاهی آنها را با هم تلفیق

کرده‌اند. آبنده از طرفی در حاشیه کویری استان یزد و از طرف دیگر به مناطق کوهستانی دسترسی دارد. چوب گردو و گلابی به اصطلاح منبت‌کاران مغارخوری خوبی دارد و براحتی با مغار یا چاقوی منبت می‌توان طرح‌های زیبا و ظریفی روی آن ایجاد کرد. باغ‌های گردو و گلابی در نزدیکی این شهرستان زیاد است و این مسئله مزید بر علت می‌شود که آثار منبت‌کاری در این شهرستان مثال‌زدنی شود. استفاده از نقوش باستانی و تصاویر مشاهیر در هنر منبت آبنده، به دلیل قرارگیری در این بطن، پدیدار بوده و وجود شاعرانی چون حافظ، سعدی، خواجوی کرمانی و آرامگاه ایشان موضوع خوبی برای هنرمند آبنده‌ای بوده است. به طور کلی می‌توان نقوش منبت آبنده را چشمه‌ای از فرهنگ این منطقه دانست. نمود نقوش، علاوه بر ارتباط مستقیم با اقلیم منطقه، بیانگر فرهنگ و باورهای مردم این خطه از سرزمین کهن ایران است.

پی‌نوشت

۱. شیوه مقرر از زمان تیموری تا اواخر قاجار متداول بود و به سه زیرگروه نیش، تیج و جست تقسیم می‌شود به این ترتیب که منبت با برجستگی خفیف و کم عمق (عمق زمینه اثر تا ۱.۵ میلی‌متر) بنام نیش (پند) معروف شد و از دوره قاجار رواج یافت. شیوه تیج یا کم‌برجسته که روسازی مقرر و کمی برجسته‌تر از شیوه نیش کار می‌شود این شیوه در اواخر تیموری و صفوی بیشترین کاربرد را داشته است. در دوره تیموری آثاری با عمق ۲-۷ میلی‌متر و عمق زمینه منفی ۸-۲۰ میلی‌متر رواج می‌یابد و برای این روش واژه برجسته یا جست را انتخاب کرده‌اند. از دلایل برجستگی شیوه جست و تیج در ادوار مختلف استفاده از تعداد سطوحی است که در یک اثر منبت می‌شده است (Sheikhi&Partner, 2012, p.2).

فهرست منابع

- Ibn Battuta's travel book, Volume 1, translated by Mohammad Ali Mohad, Tehran: Karnameh. [in Persian]. (1969). Ibn Battuta ابن بطوطه. (۱۳۴۸). سفرنامه ابن بطوطه جلد اول، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: کارنامه
- Ibn Hawqal, Muhammad bin Hawqal. (1969). Surah Al-Arz, Tehran: Farhang Iran Foundation. [in Persian] ابن حوقل، محمد بن حوقل. (۱۳۴۵). صوره الارض، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Ibn Khurdadbah. (1993). Masalak and the nations, translated by Saeed Khakrand, Tehran: Heritage of Nations and Hanafa Cultural Institute. [in Persian] ابن خردادبه. (۱۳۷۱). مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاگرد، تهران: میراث ملل و مؤسسه فرهنگی حنفاء.
- Ismail bin Ali. (1969). Al-Baldan Calendar, translated by Abdul Mohammad Aiti, Tehran: Farhang Iran Foundation. [in Persian] اسماعیل بن علی. (۱۳۴۹). تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Aqdasiyeh, Hadi. (1955). Types of Slimi design, Naqsh and Negar, Volume 2: 30-36. [in Persian] اقدسیه، هادی. (۱۳۳۵). انواع طرح اسلیمی، نشریه نقش و نگار، ۲: ۳۰-۳۶.
- Amrayi, Mehdi. (2010). Embossed Art, Tehran: Samt. [in Persian] امرائی، مهدی. (۱۳۹۱). هنر منبت، تهران: سمت.
- Azhand, Yaqoub. (2010). Seven decorative principles of Iranian art. Tehran: Peykare. [in Persian] آزند، یعقوب. (۱۳۹۱). هفت اصل تزئینی هنر ایران، تهران: پیکره.
- Behnisi, Afif. (2008). Islamic art, translated by Mohammad Pourqasemi, Tehran: Suresh Mehr. [in Persian] بهنسی، عفیف. (۱۳۸۷). الفن اسلامی، ترجمه محمد پورقاسمی، تهران: سوره مهر.
- Brown, Edward. (2000). Edward Brown's travelogue (one year among Iranians). Tehran: Kanoon Maarefat. [in Persian] براون، ادوارد. (۱۳۷۹). سفرنامه ادوارد براون (یک سال در میان ایرانیان). تهران: کانون معرفت.
- Berg, Louis Vanden. (1969). Archeology of ancient Iran. Translation: Isa Behnam. Tehran: University of Tehran [in Persian]. برگ، لویی واندن. (۱۳۴۸). باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
- Brugash, Henry. (1995). Travelogue in the land of sunshine, Translation Majid Jalilvand. Tehran: Markaz. [in Persian] بروگش، هنری. (۱۳۷۴). سفرنامه در سرزمین آفتاب، ترجمه مجید جلیوند، تهران: مرکز.
- Benjamin, Samuel Green Wheeler. (1984). Iran and Iranians, Translation Engineer Hossein Kordbacheh. Tehran: Javidan. [in Persian] بنجامین، ساموئل گرین ویلر. (۱۳۶۳). ایران و ایرانیان، ترجمه مهندس حسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- Pop, Arthur. (1944). Masterpieces of Iranian art, Translation Parviz Natal Khanleri, Tehran: Scientific and Cultural. [in Persian] پوپ، آرتور. (۱۹۴۵م). شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی و فرهنگی.
- Pop, Arthur and Phyllis Ackerman. (2006). Traveling in Iranian Art Volume 1. Translated and edited by Siruos Parham, Tehran: Scientific and Cultural. [in Persian] پوپ، آرتور و فیلیس اکرم. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران جلد اول، ترجمه و ویرایش سیروس پرهام، تهران: علمی فرهنگی.
- Pop, Arthur and Phyllis Ackerman. (2006). Traveling in Iranian Art Volum 6. Translated and edited by Siruos Parham, Tehran: Scientific and Cultural. [in Persian] پوپ، آرتور و فیلیس اکرم. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران جلد ششم، ترجمه و ویرایش سیروس پرهام، تهران: علمی فرهنگی.
- Pourjafar, Mohammad Reza. (2000). Comparative elementology in Safavi carvings, Quarterly art magazine. 8: 62-83. [in Persian] پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۷۹). عنصرشناسی تطبیقی در منبت صفوی، فصلنامه هنرنامه، ۸: ۶۲-۸۳.
- Tabrizi, Muhammad Hossein bin Khalaf Tabrizi. (1061). Conclusive Borhan, Tehran: Amir Kabir. [in Persian] تبریزی، محمد حسین بن خلف تبریزی. (۱۰۶۲). برهان قاطع، تهران: امیرکبیر.
- Janneshari, Faezeh, Kianmehr, Qabad, Taghwenejad, Baharch, and Hashemi, Gholamreza (2021). Investigating the technical and artistic characteristics of wooden spoons of the Safavi and Qajar periods. Art Research. Period 11 No. 21. pp. 49-62. [in Persian]



- جان نثاری، فائزه، کیان مهر، قباد، تقوی نژاد، بهاره، هاشمی، غلامرضا. (۱۴۰۰). بررسی ویژگی های فنی و هنری قاشق های چوبی دوره های صفوی و قاجار، پژوهش هنر، ۲۱(۱): ۳۹-۶۲.
- Jackson, Williams and Valentine, Abraham, (2009). Jackson's travelogue, Translation: Fereydoun Badrei and Manouchehr Amiri, Tehran: Scientific and Cultural. [in Persian]
- جکسن، ویلیامز و والتاین، آبراهام. (۱۳۸۸). سفرنامه جکسن، ترجمه فریدون بدره ای و منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- Hosseini, Seyedreza (2021). Analysis of the educational structure of woodcarving in the second year of high school based on the traditional principles of Abadeh woodcarving, Soureh University. [in Persian]
- حسینی، سیدرضا. (۱۴۰۰). تحلیل ساختار آموزشی رشته منبت کاری دوره دوم متوسطه بر مبنای اصول سنتی منبت کاری آبداه، دانشگاه سوره.
- Hosseini, Mozghan and Arjmand Inanlu, Mehdi. (2023). The impact of the globalization of woodcarving and the economic and cultural consequences of that society to the registration of woodcarving, Journal of Strategic Studies of Humanities and Islamic Sciences, (4) 52: 571-607. [in Persian]
- حسینی، مژگان و ارجمند اینانلو، مهدی. (۱۴۰۲). تاثیر جهانی شدن منبت و پیامدهای اقتصادی فرهنگی آن جامعه به ثبت جهانی شدن منبت، نشریه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۵۲(۴): ۵۷۱-۶۰۷.
- Khandmir, Ghiyas al-Din bin Hamam al-Din. (2001). The history of Habib al-Sir in the news of the people Volum 4, Tehran: Khayyam. [in Persian]
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد جلد چهارم، تهران: خیام.
- Da'i al-Islam, Seyyed Muhammad Ali. (1983). Culture of the Persian system in Farsi Vol.1, Tehran: Danesh. [in Persian]
- داعی الاسلام، سید محمد علی. (۱۳۶۲). فرهنگ نظام فارسی به فارسی جلد اول، تهران: دانش.
- Dalmani, Henri René. (1956). Travelogue from Khorasan to Bakhtiari, Translation: Mohammad Ali Farahvashi, First Edition, Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمد علی فرهوشی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- Dalmani, Henri René. (1999). From Khorasan to Bakhtiari, Translation: Gholamreza Samii, Tehran: Tavus. [in Persian]
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۷۸). از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: طاووس.
- Droville, Kaspar. (1958). Travelogue of Droville, Translation: Javad Mohi, Tehran: Gutenberg. [in Persian]
- دروویل، کاسپار. (۱۳۳۷). سفرنامه ی دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- Dehghani, Tayyaba and Samanian, Samad. (2013). "Comparative study of the design and role of the pulpit of the Nayin Jame Mosque and the pulpit of the Sooryan Jame Mosque", History of Islamic Culture and Civilization, vol 19: 29-50. [in Persian]
- دهقانی، طیبه و سامانیان، صمد. (۱۳۹۴). "بررسی تطبیقی طرح و نقش منبر مسجد جامع ناین و منبر مسجد جامع سوریان"، نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۹، ۲۹-۵۰.
- Demand, Morris Son. (1986). Guide to Islamic Industries, Translation: Abdullah Faryar, Tehran: Scientific and Cultural. [in Persian]
- دیمانند، موریس سون. (۱۳۶۵). راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- Zaka, Yahya. (1963). We and the readers, People's Art 17, 35-40. [in Persian]
- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۲). ما و خوانندگان، هنر مردم، ۱۷، ۳۵-۴۰.
- Rampuri, Ghiyasuddin Muhammad bin Jalaluddin bin Sharafuddin Rampuri. (1984). Ghiyas al-Lawaq By Mansoor Tharwat, Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین رامپوری. (۱۳۶۳). غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.
- Rabiei, Arjang. (2011). Persian art during the passage of time in Shiraz vol 2, Shiraz: Navid Shiraz with the cooperation of Persian Studies Foundation. [in Persian]
- ریبئی، ارژنگ. (۱۳۹۰). هنر فارس در گذر زمان شیراز جلد دوم، شیراز: نوید شیراز با همکاری بنیاد فارس شناسی.
- Rostami, Mehbobeh. (2007). An attitude on the art of inlaying, discussion and clear analysis with master Bahram Monbati, Shiraz: Toba. [in Persian]
- روستمی، محبوبه. (۱۳۸۸). نگرشی بر هنر منبت کاری گفتگو و تحلیل روشن با استاد بهرام منبتي، شیراز: طوبی.
- Serena, Carla. (1983). People and rituals in Iran, Translation Ali Asghar Saidi, Tehran: Toos. [in Persian]
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). آدمها و آیینها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: توس.
- Saidian, Abdul Hossein. (1996). Iranian peoples, anthropology and customs of Iranian peoples, Tehran: science and life. [in Persian]
- سعدیان، عبدالحسین. (۱۳۷۵). مردمان ایران مردم شناسی و آداب و رسوم اقوام ایرانی، تهران: علم و زندگی.
- Samsar, Mohammad Hassan. (1963). Makeup and art. Art and People Magazine, 16, 33-47. [in Persian]
- سمسار، محمدحسن. (۱۳۴۲). آرایش و هنر، مجله هنر و مردم، ۱۶، ۳۳-۴۷.
- Sawari, Mohammad and Sheikhi, Alireza. (2023). Genealogy of lily flower (lily) in Iranian flowers and chickens. Fine arts, 2. Vol, 28, 135-146. [in Persian]
- سواری، محمد و شیخی، علیرضا. (۱۴۰۲). تبارشناسی گل سوسن (زنابق) در گل و مرغ ایرانی، هنرهای زیبا، ۲۸(۲)، ۱۳۵-۱۴۶.
- Chardin, Jean. (1995). Chardin's travelogue c.3. Translation Iqbal Yaghmai, Tehran: Toos. [in Persian]
- شاردن، ژان. (۱۳۷۴). سفرنامه شاردن جلد اول، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- Chardin, Jean. (2013). Chardin's travelogue vol4, Translation: Iqbal Yaghmai, Tehran: Toos. [in Persian]
- شاردن، ژان. (۱۳۹۳). سفرنامه شاردن جلد چهارم، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- Shahriari, Ayaz. (2004). Traditional and modern woodcarving technique training, Shiraz: Armaghane Dabiran. [in Persian]
- شهریاری، ایاز. (۱۳۸۳). آموزش فن منبت کاری به روش سنتی و نوین، شیراز: ارمان دبیران.
- Sheikh Al-Islami, Javad. (1991). The Political Memoirs of Sir Arthur Hardinge, Tehran: Keihan. [in Persian]
- شیخ الاسلامی، جواد. (۱۳۷۰). خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ، تهران: کیهان.
- Sheikhi, Alireza. (2007). Investigating contemporary woodcarving styles in key regions of Iran (Isfahan, Golpayegan, Abadeh, Shiraz and Sanandaj), Handicraft master's thesis, Faculty of Applied Arts, Tehran University of Art, Tehran, Iran.
- شیخی، علیرضا. (۱۳۸۶). بررسی سبک های منبت کاری معاصر در مناطق شاخص ایران (اصفهان، گلپایگان، آبداه، شیراز و سمنندج)، پایان نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

- Sheikhi, Alireza, Samanian, Samad and Ashouri, Mohammad Taghi. (2010). A comparative study of contemporary carving art in the important carving centers of Iran, Isfahan, Golpayegan, Abadeh, Shiraz and Sanandaj, Comparative Art Studies 4, 1-16. [in Persian]
- شیخی، علیرضا، سامانیان، صمد و آشوری، محمدتقی. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی هنر منبت معاصر در مراکز مهم منبت کاری ایران اصفهان، گلپایگان، آباد، شیراز و سنج، مطالعات تطبیقی هنر، ۴، ۱-۱۶.
- Sheikhi, Alireza. (2018). Contemporary Iranian inlay, Tehran: University of Art. [in Persian]
- شیخی، علیرضا. (۱۳۹۹). منبت معاصر ایران، تهران: دانشگاه هنر.
- Shirani, Mina, Yazidi Jiran, Asghar, Spooner, Brian, Kohestani, Maryam. (2016). Anthropological study of the pottery motifs of Kalpurgan Saravan. beautiful arts, Visual arts 4, 80-71. [in Persian]
- شیرانی، مینا، ایزدی جیران، اصغر، اسپونر، برایان، کوهستانی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی انسان شناختی نقوش سفال کلپورگان سراوان، نشریه هنرهای زیبا هنرهای تجسمی، ۴، ۸۰-۷۱.
- Souty, Akbar and Rahnavard, Zahra. (2009).mesh, Tehran: Samt. [in Persian]
- صوتی، اکبر و رهنورد، زهرا. (۱۳۹۰). مشبک، تهران: سمت.
- Taheri, Abdul Mohammad. (2002). Farsnameh II - historical, cultural and economic cognitive - first volume. Shiraz: Omidvaran (Mirzai Shirazi Cultural, Artistic and Publishing Institute). [in Persian]
- طاهری، عبدالمحمد. (۱۳۸۱). فارسنامه دوم-شناختی تاریخی، فرهنگی اقتصادی- جلد اول، شیراز: امیدواران (موسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی میرزای شیرازی).
- Tuji, Hamid. (2014). Woodcarving, Tehran: Armaghan, fourth edition. [in Persian]
- طوجی، حمید. (۱۳۸۵). منبت کاری، چاپ چهارم، تهران: ارمان.
- Abedian Jelodar, Zeinab. (2018). Studying the brickwork decorations of Qajar and Pahlavi buildings in Tehran. Handicraft master's thesis, Faculty of Applied Arts, Tehran University of Art, Tehran, Iran.
- عابدیان جلودار، زینب. (۱۳۹۹). مطالعه تزئینات آجرکاری بناهای قاجار و پهلوی در تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.
- Abdulahi, Ali Asghar. (1998). A thousand rural and local songs of Iran, Tehran: Donyai Ketab. [in Persian]
- عبداللهی، علی اصغر. (۱۳۷۷). هزار ترانه روستایی و محلی ایران، تهران: دنیای کتاب.
- Judge, Ahmad Qomi. (1973). Golestan art. By: Ahmad Soheili Khansari, Tehran: Manouchehri. [in Persian]
- قاضی، احمد قمی. (۱۳۵۲). گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.
- Keshmirshakan, Hamid. (2013). Iranian contemporary art, Tehran, Natanz. [in Persian]
- کشمیرشکن، حمید. (۱۳۹۳). هنر معاصر ایران، تهران، نطنز.
- Kianmehr, Qabad. (2004). Aesthetic values of Safavi style inlay, Specialized doctoral dissertation. Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
- کیانمهر، قباد. (۱۳۸۳). ارزشهای زیبایی شناسی منبت کاری سبک صفوی، رساله دکترای تخصصی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- Kianmehr, Qabad, Ansari, Mojtaba, Tavousi, Mahmoud and Ayatollahi, Habibullah. (2012). The influence of Safavi ideology on woodcarving during the reign of Shah Tahmasab, Fine Arts of Architecture and Urban Development, 40, 203-234. [in Persian]
- کیانمهر، قباد، انصاری، مجتبی، طاووسی، محمود و آیت اللهی، حبیب الله. (۱۳۸۳). تأثیر ایدئولوژی صفویان بر منبت کاری دوران حکومت شاه طهماسب صفوی، هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۴۰، ۲۰۳-۲۳۴.
- Kayani, Mohammad Youssef. (1997). Decorations related to Islamic era architecture, Tehran: Cultural Heritage Organization. [in Persian]
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۶). تزئینات وابسته به معماری دوران اسلامی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- Kayani, Mustafa. (2012). The architecture of the first Pahlavi period - the transformation of ideas - the emergence and formation of architecture in the twenty-year period of contemporary Iran 1320-1399, Tehran: Institute of Contemporary History of Iran. [in Persian]
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). معماری دوره پهلوی اول- دگرگونی اندیشه ها- پیدایش و شکل گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۳۲۰-۱۳۹۹، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- Grass, Evan. (1992). Beautiful ambassador. Translation: Ali Asghar Saidi, Tehran: Tehran. [in Persian]
- گرس، ایوان. (۱۳۷۰). سفیر زیبا، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: تهران.
- Glock, J. and Glock, Sumi Hiramoto. (1976). Satiety in Iran's handicrafts. Translation: Yahya Zaka and Reza Alavi, First Edition, Tehran: National Bank of Iran. [in Persian]
- گلاک، جی و گلاک، سومی هیرواموتو. (۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران، ترجمه یحیی ذکاء و رضا علوی، چاپ اول، تهران: بانک ملی ایران.
- Girishman, Roman. (1971). Iranian art in the Parthian and Sasanian periods, Translation: Bahram Farahvashi, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Persian]
- گیریشمن، رومن. (۱۳۵۰). هنر ایران در دوره پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Mohammadpour, Zahra. (2022). A comparative study of the artistic characteristics of Abadeh and Urmia inlaying in order to design and make contemporary wooden items, Master of Crafts, College of Handicrafts, Isfahan university of art, Esfahan, Iran.
- محمدپور، زهرا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی ویژگیهای هنری منبت کاری آباد و ارومیه به منظور طراحی و ساخت وسایل چوبی معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
- Mousavi Bojnoordi, Kazem. (2010). Encyclopaedia of Iran Vol. 3, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. [in Persian]
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۹). دانشنامه ایران جلد سوم، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- Mousavi Bojnoordi, Kazem. (2005). Encyclopaedia of Iran Volume 1, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. [in Persian]
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۴). دانشنامه ایران جلد اول، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- Mustafavi, Seyyed Mohammad Taghi. (1964). Pars region Tehran: Association of National Artifacts 48. [in Persian]



- مصطفوی، سید محمد تقی. (۱۳۴۳). اقلیم پارس، تهران: نشریه انجمن آثار ملی ۴۸.
- Moin, Mohammad. (1975). Persian Culture Volume 3. Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- معین، محمد. (۱۳۵۴). فرهنگ فارسی جلد سوم، تهران: امیرکبیر.
- Nafisi, Ali Akbar. (2534). Farhang Nafisi, vol 5, Tehran: Khayyam. [in Persian]
- نفیسی، علی اکبر. (۲۵۳۵). فرهنگ نفیسی جلد پنجم، تهران: خیام.
- Namazi, Hossein. (2011). Abadeh city of culture and literature, Tehran: Behjat. [in Persian]
- نمازی، حسین. (۱۳۹۲). آباءه شهر فرهنگ و ادب، تهران: بهجت.
- Navidi Shirazi, Zain al-Abidin. (1973 AD). Doha Al Zahar, by Ali Minaei Tabrizi and Abolfazl Hashem Oghli Rahim F, Moscow. [in Persian]
- نویدی شیرازی، زین العابدین. (۱۹۷۴م). دوحه الزهار، به کوشش علی مینایی تبریزی و ابوالفضل هاشم اوغلی رحیم اف، مسکو.
- Vaziri, Alinqi. (1984). General history of visual arts c.2. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- وزیری، علینقی. (۱۳۶۳). تاریخ عمومی هنرهای مصور جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- Wolff, Hans E. (1993). Ancient handicrafts of Iran. Translation: Cyrus Ebrahimzadeh, Tehran: Islamic Revolution Publications and Education. [in Persian]
- وولف، هانس ای. (۱۳۷۲). صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم زاده، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- Wilson, Christy. (1938). History of Iranian industries, Translation Abdullah Faryar, Tehran: Ministry of Education. [in Persian]
- ویلسن، کریستی. (۱۳۱۷). تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران: وزارت معارف.
- Yavari, Hossein. (2012). getting to know with wood and related arts, Tehran: Sureh Mehr. [in Persian]
- یاوری، حسین. (۱۳۸۳). آشنایی با چوب و هنرهای مرتبط با آن، تهران: سوره مهر.
- Ember, C. R., & Ember, M. (1993). Anthropology. New Dehli: Prentice Hall of Ndia Ergi
- Leach, E. R. (1967). Aesthetics, In The Institutions of Primitive Society. edited by E. E. Evans-Pritchard. Oxford: Basil Blackwell. pp:25-38

